



نکات کلیدی و بانک آزمون

قواعد فقه ۲

تألیف:

زهرا قدسی



سرافرازان البرز

نکات کلیدی و بانک آزمون قواعد فقه ۲

- ✱ تالیف: زهرا قدسی
- ✱ ناشر: سرافرازان البرز
- ✱ چاپ و صحافی: سرافراز
- ✱ تعداد صفحات: ۷۷ صفحه
- ✱ نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۲
- ✱ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۶۴-۸۸-۱
- ✱ شمارگان: ۱۰۰۰ عدد
- ✱ قیمت: ۳۹۰۰ تومان

کلیه مقوق برای ناشر محفوظ است.

- سرشناسه: قدسی، زهرا، ۱۳۵۲ -
- عنوان و نام پدیدآور: نکات کلیدی و بانک آزمون قواعد فقه ۲/تالیف زهرا قدسی.
- مشخصات نشر: کرج: سرافرازان البرز، ۱۳۹۲.
- مشخصات ظاهری: ۷۷ ص: جدول، ۵/۴×۵/۲ س.م.
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۶۴-۸۸-۱
- وضعیت فهرست نویسی: فیا
- موضوع: فقه -- قواعد -- آزمون ها و تمرین ها (عالی)
- موضوع: فقه -- قواعد -- راهنمای آموزشی (عالی)
- رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ ق ۴/۷۶/۱۶۹ BP۵
- رده بندی دیویی: ۳۲۴-۷/۳۹۷
- شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۶۷۶۸۷

مرکز بخش: انتشارات سرافرازان البرز

کرج - رجائی شهر - بلوار مؤذن شرقی - روبروی بانک ملی دانشگاه آزاد - پلاک ۳۲

تلفن: ۰۹۳۷۰۸۸۵۱۴۹ - ۳۴۲۰۸۵۶۳ - ۳۴۴۵۰۱۵۳ - ۳۴۴۲۱۵۹۵ - ۰۲۶

www.hamrah-pnu.ir

www.kharazmibookshop.com

مقدمه ناشر

دانشجوی عزیز!

پس از انتشار کتاب‌های کمک آموزشی همراه در رشته‌های مختلف و استقبال بی‌نظیر دانشجویان، گروه علمی همراه در طرحی جدید اقدام به انتشار مجموعه کتاب‌های نکات کلیدی و بانک آزمون توسط اساتید باسابقه دانشگاه‌های کشور نمود. این سری کتاب‌ها با هدف استفاده کامل و بهینه برای دانشجویان دانشگاه پیام نور و سایر موسسات آموزش عالی کشور تهیه گردیده است. در این کتاب‌ها سعی گردیده که حجم کتاب به گونه‌ای تنظیم گردد تا نکات کلیدی کتاب را به طور کامل پوشش دهد. همچنین سوالات امتحانی چند دوره گذشته برای مرور دانشجو و آشنایی و آمادگی برای امتحان نهایی با پاسخ کامل تشریحی قرار گرفته است. هدف ما در این سری از کتاب‌ها کیفیت، قیمت مناسب، حجم قابل قبول و نیز مفید و موثر بودن کتاب برای دانشجو بوده است. نکته حائز اهمیت در کتاب‌های «نکات کلیدی و بانک آزمون» همراه این است که این کتاب‌ها در هر نیمسال تحصیلی با درج سوالات آخرین دوره امتحانی به‌روزرسانی می‌شود. مدیریت کتاب‌های «نکات کلیدی و بانک آزمون» و کتاب‌های «کمک آموزشی» همراه، زیر نظر چند تن از اساتید صاحب‌نظر دانشگاه پیام نور بوده و هدف آن رضایت دانشجو و استفاده موثر از آن می‌باشد. از اساتید و دانشجویان عزیز خواهشمندیم که با نظرات سازنده خود ما را در بهبود و ارتقای سطح کیفی این کتاب‌ها یاری فرمایند.

پیروز و سربلند باشید

فهرست عناوین

صفحه

عنوان

۱	نکات کلیدی فصل‌های مختلف کتاب
۱۵	سوالات امتحانی تابستان ۱۳۸۹
۱۸	پاسخ به سوالات امتحانی تابستان ۱۳۸۹
۲۳	سوالات امتحانی نیمسال اول ۱۳۸۹-۹۰
۲۷	پاسخ به سوالات امتحانی نیمسال اول ۱۳۸۹-۹۰
۳۲	سوالات امتحانی نیمسال دوم ۱۳۸۹-۹۰
۳۷	پاسخ به سوالات امتحانی نیمسال دوم ۱۳۸۹-۹۰
۴۲	سوالات امتحانی تابستان ۱۳۹۰
۴۵	پاسخ به سوالات امتحانی تابستان ۱۳۹۰
۴۸	سوالات امتحانی نیمسال اول ۱۳۹۰-۹۱
۵۳	پاسخ به سوالات امتحانی نیمسال اول ۱۳۹۰-۹۱
۵۸	سوالات امتحانی نیمسال دوم ۱۳۹۰-۹۱
۶۳	پاسخ به سوالات امتحانی نیمسال دوم ۱۳۹۰-۹۱
۶۷	سوالات امتحانی نیمسال اول ۱۳۹۱-۹۲
۷۰	پاسخ به سوالات امتحانی نیمسال اول ۱۳۹۱-۹۲
۷۳	سوالات امتحانی نیمسال دوم ۱۳۹۱-۹۲
۷۵	پاسخ به سوالات امتحانی نیمسال دوم ۱۳۹۱-۹۲

قاعده قبح عقاب بلا بیان

- مفاد اجمالی قاعده آن است که مادام که عملی توسط شرع نهی نشده و آن نهی به مکلف ابلاغ نشده باشد، مجازات مرتکب عقلاً قبیح و زشت است همچنین تا زمانی که عملی توسط شرع واجب نشده باشد و این وجوب ابلاغ نشده باشد، ترک آن عمل مجازات ندارد و مجازات آن عقلاً قبیح و زشت است.

- قاعده قبح عقاب بلا بیان از زمان ابوعلی بن جندی راس اصول عقلی جای گرفته.
- قاعده قبح عقاب بلا بیان به اصل قانونی بودن جرم بسیار نزدیک است.
- مفاد قاعده قبح عقاب بلا بیان نخستین بار در متون شیخ طوسی به چشم می خورد.
- قلمرو این قاعده بسیار وسیع تر از « قانونی بودن جرم و مجازات » است.
- جهل به قانون در فقه اسلامی عذر موجه و رافع مسئولیت است اما در قانون اینگونه نیست.
- اصل جهل به قانون رافع مسئولیت نیست. فرض قانونی و قضایی است نه یک اصل ماهوی. فرض بر این است که پس از وضع و ابلاغ و انتشار قانون، اصل بر آن است که همگان از آن اطلاع داشته باشند و پس از ابلاغ انجام آن عمل یا ترک عمل به صرف ادعای جهل موجب رفع مسئولیت نخواهد بود.

- در متون فقهی مسأله قبح تکلیف بلا بیان با قبح مجازات بلا بیان تفاوت دارد همان گونه که در حقوق اصل قانونی بودن جرم، با اصل قانونی بودن مجازات متفاوت است.
- به نظر فقهای امامیه تنجز تکلیف شرعی منوط به وصول تکلیف به مکلف است زیرا مجازات شخص جاهل به تشریع قانون عقلاً زشت و قبیح است.
- بیان بکار رفته در قاعده بیان واصل است. هرگاه حکم واصل شود، عقابی نخواهد بود.
- عقاب و مجازات فعلی یا ترک فعلی که ممنوعیت آن بیان نشده یا به مکلف واصل نشده حرام است.

- به نظر علامه حلی، خواستن تکلیف از جاهل تکلیف مالا یطاق بوده که قبیح است.
- مجرای قاعده قبح عقاب بلا بیان
- اباحه و حظر: حظر به معنی منع و یعنی تا جواز شرعی بر عملی نیاید نباید آن را انجام داد. اباحه عکس آن است.
 - اصل برائت: مکلف اگر شک داشته باشد بر ثبوت تکلیف اصل برائت است.
 - جهل به حکم: حکم شرعی وضع شده اما به مکلف نرسیده. پس به حکم این قاعده، حکم متجز نمی شود. منظور از جهل ناشی از قصور است نه تقصیر.

- از نظر اصولیون اصل وضع احکام متوقف بر علم و آگاهی مکلفین نیست، اما تکلیف مراحل همچون تجز و قطعیت دارد که عقلاً این مرحله وابسته به علم و آگاهی مکلف است.
- اشاعره به حسن و قبح ذاتی افعال معتقد نیستند، اما معتزله معتقد هستند.
- از نظر فقه اسلامی، تشریع احکام و رواج آن، اماره قضایی به حساب می‌آید.
- از نظر تاریخی توجه به این اصل از دوران هخامنشیان بوده.
- اصل قانونی بودن جرم و مجازات اساس حقوق کیفری بوده و شامل کلیه مراحل تحقیق، تعقیب، محاکمه و اجرای حکم می‌شود.
- منظور از قانون، مقررات لازم الاجرای است که وضع آن تشریفات خاصی دارد.
- تعیین عناوین مجرمانه و میزان مجازات وظیفه قوه مقننه بوده و در صورت نبود نص قانونی یا سکوت و نقص قانون قضایی کیفری باید حکم به برائت بدهد.
- در ایران قوانین عادی توسط مجلس شورای اسلامی وضع شده و باید براساس احکام اسلامی باشد. شورای نگهبان مسئول تطبیق این مصوبات با شرع و قانون اساسی است.
- رفتار مختل نظم عمومی جرم محسوب می‌شود که از طرف قوه‌ی قانون‌گذار ارتکاب آن نهی شده و برای آن مجازات تعیین شده است.
- منظور از اصل قانونی بودن جرم و مجازات آن است که باید قبل از ارتکاب جرم، عنوان مجرمانه و مجازات رفتار نیز تعیین شده باشد.
- از نظر قانون اساسی منابع فقهی باید ملاک و معیار قانونگذار باشند. (منابع فقهی و فتاوی حکم قانون ندارند)

قاعده درأ

- قاعده درأ: اگر وقوع جرم یا انتساب آن به متهم محل تردید باشد مجازات باید منتفی شود.
- قاعده درأ به قاعده تفسیر به نفع متهم شبیه است.

روایات:

۱. اهل سنت:

- ترمذی در کتاب سنن ← ادرئوالحدود عن المسلمین ما استطعتم، فإن وجدتم للمسلم مخرجه فخلّوا سبيله، فإن الإمام لأن یخطی فی العفو خیر من أن یخطی فی العقوبه.
- ابن ماجه ← «أدفعوا الحدود ما وجدتم له مدفعاً»
- جلال الدین سیوطی ← «أدرئو الحدود بالشبهات»

۲. امامیه:

- شیخ صدوق ← «ادرنو الحدود بالشبهات» و «عن امیرالمؤمنین علیه السلام» إنه قال: ادرنو الحدود بالشبهات.

- محدث نوری در مستدرک الوسائل ← ادرنو الحدود بالشبهات.

احادیث یا مرسل هستند ← اخبار این قاعده همگی مرسل اند. یعنی یا نام راویان ذکر نشده یا مبهم باشد.

مسند هستند: نام کلیه راویان ذکر شده باشد.

انواع حدیث مسند: صحیح: نام راویان ذکر شده و هم عادل و شیعه امامی هستند.

موثق: یک نفر یا بیشتر غیر امامی است.

حسن: راویان امامی هستند اما عدالتشان مشکوک است.

ضعیف: شرایط بقیه را ندارند.

- جبران ضعف به شهرت عملی: نزدیکان فقه و عصر ائمه به روایتی عمل کنند.

- دلایل حجیت قاعده در آ

تسالم اصحاب بر حجیت: فقها به این قاعده استناد کرده و بر آن اساس فتوا داده اند.

مطابقت مفاد قاعده با عقل

روایاتی درباره معذوریت جاهل

روایات در مورد معذور بودن جاهل:

- صحیح حلی: «عن أبی عبدالله علیه السلام قال: لو أن رجلاً دخل فی الإسلام وأقر به: ثم شرب الخمر و زنی و أكل الربا و لم یُتَیَّن له شیء من الحلال و الحرام: لم أقم علیه الحد إذا كان جاهلاً: ألا أن تقوم علیه البینه إنه قرء السورة التي فيها الزنا و الخمر و أكل الربا. و إذا جهل ذلك عظمته و أخبرته فإن ركبهُ بعد ذلك جلدته و أقمت علیه الحد».

- صحیح محمد بن مسلم: «قال: قلت لأبی جعفر علیه السلام رجل دعونا إلى جملة الاسلام فأقر به، ثم شرب الخمر و زنی و أكل الربا و لم یُتَیَّن له شیء من الحلال و الحرام أقیم علیه الحد إذا جهله؟ قال علیه السلام: لا إلا أن تقوم علیه بینه أنه قد كان أقر بتعريمها»

- صحیح‌ه ابی عبیده خذاء: «قال: قال أبو جعفر عليه السلام لو وجدت رجلاً كان من العجم أقرَّ بجملة الإسلام ولم يأتِه شيء من التفسير زنى أو سرق أو شرب خمرًا، لم أقم عليه الحدَّ إذا جهله، ألا أن تقوم عليه بينه أنه قد أقرَّ بذلك و عرفه»

- صحیح‌ه عبدالصمد بن بشیر: «عن أبي عبدالله عليه السلام ... أي رجل ركب امرأً بجهالة فلا شيء عليه ...»

هر کسی در اثر جهل و نادانی مرتکب امری شود چیزی بر عهده او نیست.

شبهه در : لغت : شک، بدگمانی، اشتباه و التباس درست به نادرست و حق به نا حق

اصطلاح : تعریف اختلافی است ← عدم علم و قطع

← قطع به حلیت و اباحه و حرام

← ظن و گمان

تفسیر برخی از متون فقهی در مورد واژه شبهه:

۱- صاحب مبانی تکملة المنهاج می‌نویسد: «مستلزم از شبهه‌ای که موجب سقوط مجازات می‌شود، عبارت از جهل قصوری یا تقصیری در مقدمات فعل ممنوع است؛ ایشان با آوردن قید «مع اعتقاد الحلیه» در واقع شبه را به جهل بسیط یعنی همراه با اعتقاد به حلیت عمل ارتکا بی تفسیر می‌کند.

۲- صاحب ریاض درباره معنای شبهه می‌نویسد: «ما أوجب ظنَّ الاباحة»، اگر مرتکب اعمال ممنوع،

ظن بر اباحه و حلیت عمل ارتکابی داشته باشد، مجازات از او برداشته می‌شود.

شهید اول هم در این باره می‌گوید: «الشبهة اماره تفيد ظناً يترتب عليه الأقدام على ما يخاف في نفس الأمر؛ شبهه اماره‌ای است که برای مرتکب، موجب ظن بر حلیت عمل شده و براساس آن اقدام بر ارتکاب عملی نماید که در واقع حرام است.»

نظر جلال‌الدین سیوطی نیز چنین است: «و شرط الشبهة أن تكون قوّةً لا خلافاً لها»

۳- شهید ثانی در کتاب خود چنین اظهار می‌دارد: «ضابطة الشبهة المسقطه الحدَّ تكون الفاعل أو المفعول. أن ذلك الفعل سائغ له، لعموم ادركوا الحدود بالشبهات، ضابطه شبهه‌ای که موجب سقوط مجازات می‌شود این است که مرتکب عمل ممنوع، احتمال حلیت آن عمل را بدهد؛ زیرا قاعده‌ی «ادركوا الحدود بالشبهات» مفید عموم است و تمام مراتب احتمال حلیت و شک در حلیت و ظن به آن را در برمی‌گیرد.»